

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۷

فصل اول

ایرادات ناظر به صلاحیت مدعی برای طرح دعوا

مبحث نخست: دارا نبودن اهلیت قانونی و سمت برای اقامه دعوا ۲۷

گفتار نخست: دارا نبودن اهلیت قانونی ۲۷

طرح دعوا از سوی غیر رشید ۲۸

گفتار دوم: فقدان سمت برای طرح دعوا ۳۲

بند اول: دارا نبودن پروانه وکالت از مراجع ذیصلاح ۳۳

بند دوم: فوت موکل قبل از طرح دعوا از سوی وکیل ۳۶

بند سوم: طرح دعوا از سوی سازمان‌های دولتی برای استیفاء حقوق پرسنل ۳۷

بند چهارم: عدم تصریح اختیارات موضوع ماده ۳۵ ق.آ.د.م در وکالتنامه وکیل . ۴۰

بند پنجم: لزوم تفویض اختیار از سوی عالی‌ترین مقام اجرایی هر سازمان برای طرح دعوا از

طرف آن سازمان ۴۲

بند ششم: لزوم طرح دعوای اشخاص حقوقی از سوی نمایندگان قانونی آنها و با

درج نام اشخاص حقوقی در دادخواست به عنوان خواهان ۴۶

مبحث دوم: نداشتن نفع (ذینفع نبودن) در دعوا ۵۰

گفتار اول: مشروع و قانونی بودن نفع ۵۱

- بند اول: لزوم واگذاری املاک موضوع ماده واحده قانون واگذاری زمین‌های بایر و دایر یا بیع شرط ۵۲
- بند دوم: طرح دعوی تجدیدنظرخواهی از سوی غیر متضرر ۵۴
- بند سوم: عدم انتقال چک از طریق ظهر نویسی و اقامه دعوا توسط دارنده آن ۵۸
- گفتار دوم:** فعلیت داشتن نفع ۶۲
- بند اول: عدم امکان مطالبه وجه چک بعد از انتقال به دیگران ۶۳
- بند دوم: واگذاری و سلب حق مالکیت (نداشتن نفع هنگام طرح دعوا) ۶۵
- گفتار سوم:** شخصی و مستقیم بودن نفع ۶۸
- بند اول: لزوم طرح دعوی و خواهی از سوی محکوم علیه غایب ۶۹
- بند دوم: قابل توجیه نبودن مطالبه خسارت و هر گونه حقی راجع به عین مستأجره از سوی مستأجر ۷۰
- بند سوم: درج نشدن نام اصیل در دادخواست و در ستون خواهان ۷۴
- بند چهارم: عدم مداخله معترض و نماینده اش در دعوی متهمی به رأی موضوع اعتراض و لزوم طرح دعوی اعتراض ثالث به طرفیت کلیه اطراف حکم یا قرار مورد اعتراض ۷۸

فصل دوم

ابرادات ناظر بر تعیین خواننده

- مبحث نخست: فقدان اهلیت و عدم توجه دعوا به خواننده ۸۶
- گفتار نخست:** فقدان اهلیت برای خواننده ۸۶
- بند اول: فقدان اهلیت برای تاجر ورشکسته و لزوم طرح دعوا به طرفیت مدیر تصفیه ۸۸
- بند دوم: ضرورت طرح دعوا بر میت به طرفیت ورثه ۹۱
- بند سوم: عدم اهلیت اشخاص حقیقی و امکان طرح دعوا علیه آنها ۹۴

- گفتار دوم: عدم توجه دعوا به خواننده ۹۹
- بند اول: ضرورت طرح دعوا به طرفیت اشخاص حقوقی نه نمایندگان آنها ۱۰۰
- ۱- طرح دعوا به طرفیت شرکت‌های تجاری و تشکیلات و موسسات غیر تجاری ۱۰۱
- ۲- طرح دعوا به طرفیت موقوفه ۱۱۱
- ۳- طرح دعوا به طرفیت شهرداری نه شهرداری مناطق شهری و ادارات تابعه آن ۱۱۷
- ۴- طرح دعوا به طرفیت شورای روستا و دهیاری به جای نمایندگان آنها ۱۲۰
- بند دوم: لزوم طرح دعوا به طرفیت اداره ثبت احوال محل صدور سند سجلی ۱۲۲
- بند سوم: ضرورت طرح دعوی اثبات نسب به طرفیت والدین و در صورت فوت به طرفیت جانشینان ۱۲۵
- بند چهارم: انعقاد قرارداد از سوی نماینده و طرح دعوا برای الزام به اجرای قرارداد به طرفیت نماینده به جای اصیل ۱۲۹
- بند پنجم: قابل مطالبه بودن ضرر در صورت وجود رابطه عرفی بین فعل و ضرر ۱۳۲
- مبحث دوم: کافی نبودن تعداد خوانندگان ۱۳۴
- گفتار نخست: دعاوی راجع به اموال غیر منقول ۱۳۵
- بند اول: طرح دعوی اثبات مالکیت و اثبات صحت و اصاله معاملات به طرفیت ناقصین ۱۳۶
- بند دوم: لزوم طرح دعوی اثبات مالکیت، خلع ید و یا الزام به تسلیم مورد معامله به طرفیت متصرف ۱۴۹
- بند سوم: ضرورت طرح دعوی اثبات صحت وقوع بیع و الزام به انتقال رسمی مورد معامله و یا ابطال سند انتقالی به طرفیت مرتهن ۱۵۴
- بند چهارم: ضرورت طرح دعوی خلع ید مشاعی، تسلیط و یا وضع ید، حسب مورد به طرفیت کلیه مالکین مشاع و متصرفین ۱۶۲
- بند پنجم: لزوم طرح دعوی تقسیم ترکه به طرفیت همه وراث و شرکاء ۱۷۱

- بند ششم: لزوم طرح دعوی انتقال رسمی ملک موضوع دعوا به طرفیت صاحب سند در تمام شقوق (واگذاری و انتقال از سوی وکیل، پیش فروش آپارتمان به وسیله غیر مالک رسمی ملک و با اذن مالک رسمی، انتقال عادی بین چند نفر...)..... ۱۸۰
- بند هفتم: ضرورت طرح دعوی تجویز انتقال منافع و تخلیه عین مستأجره به طرفیت کلیه وراثت..... ۱۹۰
- بند هشتم: لزوم طرح دعوی خلع بد به طرفیت مالک و مستأجر..... ۱۹۴
- بند نهم: ضرورت طرح دعوی تخلیه به جهت انتقال به غیر به طرفیت مستأجر و متصرف..... ۱۹۸
- بند دهم: لزوم طرح دعوی اخذ به شفعه به طرفیت شریک (فروشنده ملک مشاع) و خریدار..... ۲۰۲
- گفتار دوم:** دعاوی مربوط به انعقاد و ابطال قراردادها و اجرای آثار آنها..... ۲۰۵
- بند اول: ضرورت طرح دعوی ابطال قرارداد به طرفیت کلیه متعاقدين (در صورت فوت، قائم مقام قانونی آنها) و در صورتی که مدیر عامل یا اعضای هیأت مدیره از طرف شرکت متعهد نموده باشند به طرفیت خود شرکت..... ۲۰۶
- بند دوم: واگذاری مجدد مورد معامله از ناحیه فروشنده قبل از طرح دعوا به غیر و ضرورت طرح دعوا به طرفیت منتقل الیه ثانوی..... ۲۱۰
- بند سوم: لزوم طرح دعوا به طرفیت متعهد و ضامن (در فرض وجود قرار داد خصوصی برای تعهد متعهد و ضامن)..... ۲۱۲
- بند چهارم: طرف دعوا قرار دادن مالک و مستأجر از سوی متعهدله (مستأجر ثانوی) برای الزام به تنظیم سند رسمی اجاره..... ۲۱۵
- بند پنجم: ضرورت طرح دعوا به طرفیت نماینده و اصیل در فرض انجام معامله به وسیله نماینده..... ۲۱۶

- گفتار سوم: دعاوی راجع به مسوولیت مدنی، اسناد سجلی و ۲۲۱
- بند اول: دخالت چند سبب در ایجاد ضرر و لزوم طرح دعا به طرفیت همه‌ی عوامل و اسباب ورود ضرر ۲۲۱
- بند دوم: طرح دعاوی زیان دیده به طرفیت بیمه‌گر و مقصر حادثه ۲۲۷
- بند سوم: دعاوی الزام اداره ثبت احوال به صدور سند سجلی (شناسنامه)، ابطال سند فوت، ابقاء و اعتبار دادن به سند سجلی؛ حسب مورد به طرفیت اداره ثبت احوال، والدین یا وارث آنها و یا وارث غیر ۲۳۴
- بند چهارم: ضرورت طرح دعاوی طاری، چون وارد ثالث و اعتراض ثالث به طرفیت کلیه اصحاب دعا ۲۴۱

فصل سوم
ایرادات علیه درخواست

- مبحث نخست: منوط بودن طرح بعضی از دعاوی به اثبات یا تحقق امر دیگری ۲۴۸
- گفتار نخست: دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره موضوع قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ ۲۴۸
- بند اول: طرح دعاوی تخلیه به جهت تجدید بنا منوط است به ارائه پروانه ساختمانی یا گواهی شهرداری ۲۴۹
- بند دوم: طرح دعاوی تخلیه به جهت عدم پرداخت اجاره بها موکول است به ارسال اظهارنامه برای مستأجر ۲۵۳
- گفتار دوم: دعاوی راجع به تقسیم ترکه ۲۵۹
- بند اول: ضرورت انتزاع ید ثالث از ترکه قبل از طرح دعاوی تقسیم ترکه ۲۶۰
- بند دوم: لزوم اخذ و ارائه گواهی حصر وراثت برای طرح دعاوی تقسیم ترکه و مطالبه سهم الارث ۲۶۷

بند سوم: تجدید دعوی تقسیم ترکه مستلزم صدور حکم بر ابطال و انحلال تقسیم اولیه ۲۷۰

گفتار سوم: دعوی مربوط به عقود و قراردادها ۲۷۶

بند اول: طرح دعوی ابطال سند مالکیت، الزام به تحویل مورد معامله راجع به املاکی که به ثبت رسیده و یا اعتراض ثالث اجرایی به استناد مبایعه نامه عادی موکول است به اثبات معامله عادی و مندرجات آن و الزام به انتقال رسمی مورد معامله ۲۷۶

بند دوم: طرح دعوی استرداد عوض و معوض (ثمن و مئمن) منوط است به اثبات انحلال و بی اعتباری عقود و معاملات ۲۸۴

بند سوم: طرح دعوی اعلان فسخ قرارداد به لحاظ عدم انجام تعهد و امتناع از شرط فعل ضمن عقد، منوط است به طرح دعوی مستقل تحت عنوان الزام به انجام تعهد، صدور حکم در این خصوص و عدم اجرای آن ۲۹۶

بند چهارم: ضرورت اعمال و اجرای عیارات پیش از طرح دعوا یا حداقل به موجب دادخواست ۲۹۹

بند پنجم: انجام بعضی از شروط و تعهدات ضمن عقد منوط به انجام و تحقق شروط دیگر ۳۰۴

گفتار چهارم: دعوی راجع به مالکیت بر اموال غیرمنقول (اهم از مالکیت، افراز و

فروش، انتقال رسمی و ...) ۳۰۷

بند اول: ادعای مالکیت، انتقال رسمی و تحویل قسمتی از مال مشاع، منوط است به تقسیم مال مشاع ۳۰۸

بند دوم: لزوم طرح دعوی اثبات حق ارتفاق در صورت نبودن سابقه تصرف برای مدعی ۳۱۵

بند سوم: لزوم بررسی مسئله تعارض اسناد در هیأت نظارت (موضوع ماده ۶

قانون ثبت اسناد و املاک) در دعوایی چون خلع ید و ابطال سند ۳۱۹

گفتار پنجم: دعاوی مربوط به اثبات مالکیت و ابطال اسناد موضوع عرصه‌های منابع ملی (جنگل‌ها و مراتع، اراضی جنگلی و بیشه‌های طبیعی ...)، موات، مطالبه خسارت از دولت و شهرداری‌ها ۳۲۲

بند اول: طرح دعوی ابطال اسناد منابع ملی منوط است به اعتراض به رأی کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۶۷ ۳۲۴

بند دوم: طرح دعوی ابطال اسناد مالکیت و خلع ید از اراضی موات موکول است به ابطال تصمیم کمیسیون تشخیص اراضی موات ۳۳۴

بند سوم: طرح دعوی مطالبه خسارت بر علیه واحدهای دولتی و شهرداری‌ها منوط است به اثبات اسامی استحقاق در دیوان عدالت اداری ۳۳۹

گفتار ششم: دعاوی راجع به ثبت احوال، خانواده و اعاده دادرسی ۳۴۷

بند اول: طرح دعوی اثبات نسب و الزام اداره ثبت احوال به صدور شناسنامه و در صورت تردید در هویت و تابعیت خواهان، موکول است به احراز هویت و تابعیت خواهان ۳۴۷

بند دوم: ضرورت تحقق شرط موضوع قبالة نکاحیه بر محکومیت جزایی زوج و اجرای مجازات، برای صدور گواهی عدم امکان سازش ۳۵۴

بند سوم: دعوی اعاده دادرسی به جهت حیله و تقلب طرف مقابل، موکول است به اثبات حیله و تقلب به طور مستقل و در دادرسی جداگانه ۳۵۸

مبحث دوم: ضرورت اقامه برخی از دعاوی به صورت توأمان ۳۶۰

گفتار نخست: دعاوی راجع به املاک بر مبنای وقایع حقوقی؛ اعم از دعاوی اثبات مالکیت، خلع ید، اثبات حق ارتفاق، رفع ممانعت و مزاحمت از حق ۳۶۱

بند اول: لزوم اقامه‌ی توأمان دعاوی اثبات مالکیت و خلع ید ۳۶۱

- بند دوم: ثبت رسمی ملک به نام متصرف و ضرورت طرح توأمان دعوی اثبات مالکیت، خلع ید با ابطال سند رسمی بر علیه متصرف ۳۷۰
- گفتار دوم:** دعوی راجع به تقسیم ترکه ۳۷۶
- بند اول: طرح دعوی مطالبه سهم الارث توأم با دعوی تقسیم ترکه ۳۷۶
- بند دوم: ضرورت ذکر درخواست فروش در دعوی تقسیم ترکه ۳۸۱
- گفتار سوم:** دعوی مربوط به املاک بر مبنای اعمال حقوقی؛ اعم از اثبات صحت و اصالت بیع، مالکیت و ابطال سند رسمی، الزام متعهد در پیش فروش آپارتمان به اخذ صورت مجلس تفکیکی، پایان کار و انتقال سند ۳۸۳
- بند اول: ضرورت طرح دعوی الزام متعهد (سازنده آپارتمان ها) به تنظیم صورت مجلس تفکیکی و اخذ پایان کار در کنار دعوی الزام به انتقال رسمی مورد معامله (آپارتمان) ۳۸۴
- بند دوم: ضرورت طرح توأمان دعوی اثبات مالکیت و احراز صحت و اصالت قرارداد واگذاری با الزام به انتقال رسمی مورد معامله ۳۸۹
- بند سوم: لزوم طرح دعوا با خواسته ابطال سند انتقالی و اصلاح اصل سند به جای طرح دعوا با خواسته ابطال پلاک ثبتی ۳۹۷
- مبحث سوم: موجه و قانونی نبودن طرح تعدادی از دعاوی** ۴۰۰
- گفتار نخست:** دعوی مربوط به اعمال حقوقی؛ مانند، دعوی راجع به اثبات عقود و قراردادهای، اعلان انحلال و بطلان قراردادهای و الزام به انجام تعهد و انتقال رسمی مورد معامله ۴۰۱
- بند اول: طرح دعوی الزام فروشنده به انتقال رسمی قسمتی از ملک دارای سند رسمی، قبل از تفکیک و یا افراز آن در واحد ثبتی محل ۴۰۲
- بند دوم: طرح دعوی الزام فروشنده به تحویل و تسلیم کالای دیگری به جای مورد معامله، در صورت معیوب بودن مورد معامله ۴۰۵

۱. ایرادات ناظر به صلاحیت مدعی برای طرح دعوا را به ایرادات موقتی و دائمی تقسیم نموده‌اند. دسته اول از ایرادات را در صورت پذیرش، مانع موقت در رسیدگی به دعوا دانسته‌اند؛ بدین معنی که، با متفی شدن سبب ایراد، دوباره همان دعوا قابل طرح است و رسیدگی می‌شود. اما، دسته دوم ایرادات در صورت پذیرش، نه تنها باعث می‌گردند تا دعوی اقامه شده با قرار رد مواجه شود، بلکه امکان طرح مجدد همان دعوا نیز از بین می‌رود.^۱ برای دسته اول می‌توان به ایراد عدم اهلیت و عدم احراز سمت خواهان اشاره نمود و برای دسته دوم ایراد بی‌نفعی خواهان را مثال زد. با وجود این که، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب به این موضوع پرداخته و حقوق دانان برجسته در آثارشان به تفصیل و به زیبایی با تقسیم بندی منطقی این مباحث را طرح نموده‌اند؛ در عمل مشاهده می‌شود در طرح دعوا، این موضوعات نادیده گرفته می‌شود. محاکم در وضعیتی قرار می‌گیرند تا از رسیدگی ماهیتی به دعوا امتناع ورزند و با صدور قرار به آن خاتمه بخشدند. در این فصل در دو مبحث به این نوع ایرادات می‌پردازد. در هر مبحث در چند گفتار به طور مصداقی پاره‌ای از ایرادات که در حمل متداول است بازگو می‌شود.

مبحث نخست: دارا نبودن اهلیت قانونی و سمت برای اقامه دعوا

۲. هر چند عدم اهلیت قانونی و سمت برای اقامه دعوا باعث می‌شوند تا دعوا به طور موقتی قابلیت استماع نداشته باشد، ولی هر یک دارای ماهیت و عناصر مستقلی هستند. نیاز است در دو گفتار و با ذکر مقدمه‌ای، مصداقی عملی و افراد شایع این نوع ایرادات را تبیین نمود.

گفتار نخست: دارا نبودن اهلیت قانونی

۳. مطابق ماده ۹۵۸ قانون مدنی: «هر انسانی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر این که برای این امر اهلیت قانونی

داشته باشد. به این ترتیب، اقامه دعوا یکی از مصادیق بارز اجرای حق است، در حقیقت؛ یکی از شرایط اقامه دعوا اهلیت قانونی است. شخصی که اقامه دعوا می‌نماید در صورتی «اهل» محسوب می‌شود که بالغ، عاقل و رشید باشد. (ماده ۲۱۱ قانون مدنی) و حسب تبصره یک و دو از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

اموال صغیری که بالغ شده در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. با توجه به این مقررات و رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و رویه قضایی، شرایط اقامه دعوا را می‌توان ترسیم نمود. اما در عمل این مقررات نادیده انگاشته می‌شود. به شرح ذیل به انعکاس رویه قضایی در این خصوص می‌پردازد.

طرح دعوا از سوی غیر رشید

۴. از مقررات مرقوم بدست می‌آید، هر شخصی که به سن هجده سال تمام شمسی رسیده، دارای اهلیت قانونی است و هر نوع دعاوی اعم از مالی و غیرمالی می‌تواند طرح نماید؛ مگر آن‌که، جنون یا عدم رشدش به موجب حکم دادگاه ثابت شود. اما، در فرضی که پسر و دختر، حسب مورد فقط به پانزده سال تمام قمری و نه سال تمام قمری رسیده باشند؛ بالغ محسوب می‌شوند تنها مجاز به طرح دعاوی غیرمالی هستند. در این فرض، مادامی که رشد آنها در محکمه به اثبات نرسد حق طرح دعوا در امور مالی را ندارند.^۱

اداره حقوقی در نظریه مورخ ۱۳۴۴/۴/۱۵ در این خصوص گفته است: «با توجه به ماده واحد قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ و مستفاد از ملاک آن زنی که کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی را داشته باشد می‌تواند در مورد کلیه دعاوی ناشی از نکاح و طلاق مستقلاً و شخصاً در محاکم مراجع صالحه طرح دعوا کند ولی صلح

۱- شمس، دکتر عبدالله، همان، جلد اول، ص ۳۴۱ و مهاجری، دکتر علی، مبسوط در آیین دادرسی

دعای مالی مزبور باید با اجازه ولی یا قیم مشارالیها باشد.^۱

کمیسیون‌های نشست‌های قضایی در نظریه‌ای، اقامه دعوا در امور مالی را محتاج به اهلیت قانونی و رشد اقامه کننده دعوا دانسته است.^۲

یا این که، در نظریه دیگری؛ شخص بالغ غیر رشید را به جز در امور مالی در کلیه امور دارای اهلیت دانسته، شکایت کیفری و تظلم وی به دستگاه قضا را در زمره این امور پنداشته است.^۳

به رأی شماره ۲۰۲ مورخ ۸۴/۲/۳۱ در پرونده کلاسه ۱۵۰/۳۷/۸۴ صادره از شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران اشاره می‌شود. در این رأی با توجه به مندرجات شناسنامه تجدیدنظرخواه که صغیر است و فاقد اهلیت برای اقامه دعوا است، دعوی طرح شده در مرحله بدوی را قابل استماع ندانسته و ضمن نقض آن قرار رد دعوی مرحله بدوی را صادر نموده است.

۵. رأی دادگاه بدوی

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی (خانواده) شهرستان گرگان

شماره دادنامه: ۸۹۰۹۹۷۰۰۱۹۶، شماره پرونده: ۸۹۰۹۹۸۰۰۰۵۲

رأی دادگاه

در خصوص دادخواست آقای م. گ بطرفیت خانم ا. ا با وکالت خانم ع. خ. بخواسته فسخ نکاح به لحاظ تدلیس بدین توضیح که خواهان مدعی است خوانده دوشیزه نبوده ولی در سند نکاحیه خود را دوشیزه عنوان کرده و بیماری عصبی دارد و این را هم کتمان نموده و با این وجود چون این دو موضوع را اظهار ننموده مرتکب تدلیس در

۱- معاونت آموزش قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با خانواده، جلد ۲، ص ۱۰۶.

۲- معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه نشست‌های قضایی، آیین دادرسی مدنی، جلد یک، ص ۳۵۶.

۳- همان، مجموعه نشست‌های قضایی حقوق مدنی، ج یک، ص ۲۲۹.

۴- ندزندی، دکتر محمدرضا، رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور خانواده، جلد ۳، ص ۱۹.